

حقوق و وظایف متقابل همسران

از دیدگاه قرآن

دکتر علی نصیری



۳. رعایت حقوق همسری

در مبحث آیین مهرورزی اشاره خواهیم کرد که رفتارهای ما به دو بخش رفتارهای عادلانه و محسنانه تقسیم می شود. رفتارهای عادلانه همان رعایت حقوق دیگران است. دختر و پسری که باهم ارتباطی ندارند رابطه حقوقی متقابل آنان بسان سایر افراد اجتماع است اما وقتی با یکدیگر پیمان ازدواج می بندند (همان پیمانی که خداوند از آن با عنوان «میثاق غلیظ» یاد کرده)^۱ باید بدانند که از این پس هر یک از آنان با دارا شدن حقوقی خاص، موظف به ایفای آن اند. اما در این میان، کم نیستند زنان یا مردانی که با تکیه بر همرازی و علاقه متقابل حقوق یکدیگر را ضایع می کنند غافل از آنکه همسری و همرازی می باید افزون بر رفتارهای عادلانه و ادای حقوق، به رفتارهای محسنانه نیز بینجامد، نه آنکه بهانه ای باشد برای تزییع حق یکدیگر. قرآن در این باره می فرماید:

«وَالَّذِينَ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهَا بِالْمَعْرُوفِ»^۲

و مانند همان [وظایفی] که بر عهده ی زنان است، به طور شایسته، به نفع آنان [بر عهده ی مردان] است.

در اینجا به بررسی برخی از این حقوق می پردازیم:

یک. تأمین نیازهای اقتصادی زندگی مشترک

یکی از حقوق اساسی زن، حق خوراک، پوشاک و مسکن

است. فقها متفق اند که این حقوق تابع شئونات همسر است؛ یعنی اگر او در خانواده ای می زیسته که از نوع خوراک، پوشاک یا مسکن عالی بهره مند بوده، شوهر او نیز می باید امکاناتی در این سطح برای او فراهم سازد.^۳ خداوند تأمین نیازهای مالی خانواده-اعم از زن و فرزندان- را بر عهده ی شوهر نهاده است؛ تا جایی که زن برای شیر دادن به فرزند خود نیز می تواند از شوهر خود مزد مطالبه کند. به گفته ی فقیهان، زنان ملزم و مجبور به انجام کارهای خانه نیستند و حتی می توانند برای این کارها مزد دریافت دارند.^۴ هر چند هیچ همسری برای انجام این امور از شوهرش مزدی نمی طلبد، با این حال اسلام از تبیین چارچوب های حقوق همسران ابا نکرده است.

اموال زنان که از طریق ارث یا مهر و یا کار به دست آنان رسیده، حق خصوصی آنهاست؛ به گونه ای که شوهران نمی توانند آنان را برای مشارکت در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده تحت فشار بگذارند.

بنابراین تأمین نیازهای مالی زن از وظایف شوهر است و در صورت عدم رعایت، آن مرد ناشز^۵ خواهد شد و زن می تواند از نژد حاکم شکایت برد. با این همه یکی از شرایط مورد نظر اسلام «تأمین نیازهای اقتصادی خانواده، توانمندی و داشتن قدرت مالی» اعلام شده است. سخن قرآن در این باره چنین است:

«وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ
لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ وِثْرًا إِلَّا وَسْعَهَا.»

و خوراک و پوشاک آنان [مادران] به طور شایسته، برعهده‌ی پدر است. هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود. «مولود له» پدر است و مقصود از «معروف» نیز حد متعارف می‌باشد؛ یعنی تأمین نیازهای مالی و لباس همسران در سطح متعارف برعهده‌ی مردان است. جمله‌ی «لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وَسْعَهَا» نیز تأکیدی بر کلمه‌ی «معروف» است؛ بدین معنا که اساساً خداوند تکلیفی فراتر از توان اشخاص برعهده‌ی آنان ننهاده است.^۶ خداوند در آیه‌ای دیگر، معیار رسیدگی به حقوق همسران را براساس تنگ دستی یا گشاده دستی شوهرانشان دانسته است:

«وَمَنْ مَّوَّهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَعَلَّ الْمُقْتِرَ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ.»^۷

و آنان را به طور پسندیده، به نوعی بهره‌مند کنید-توانگر به اندازه‌ی [توان] خود، و تنگدست به اندازه‌ی [وسع] خود. «موسع» کسی است که وسعت و توان مالی دارد؛ حال آن که «مقتِر» به کسی می‌گویند که دچار مضیقه و تنگ دستی است.^۸ گرچه این آیه ناظر به رسیدگی مالی به زنان مطلقه است، از نظر ملاک بیانگر قانون عام «لزوم رسیدگی مالی به اندازه‌ی توان» است. بنابراین زن باید میزان توان اقتصادی شوهر خود را در نظر داشته، تقاضاهای خود را براین اساس مطرح کند. بی‌توجهی به این نکته و اصرار برپاره‌ای از خواسته‌های مالی چه بسا زندگی زناشویی را به چالش بکشاند. کم‌نیستند مردانی که به دلیل اصرارهای نابجای زن و تحمیل هزینه‌های فراتر از توان مالی شان-که گاه هم چشمی‌ها منشأ آن است-روانه‌ی زندان شده، یا کارشان به جدایی کشیده است. از این سو برخی از مردان نیز با وجود امکانات مالی، در تأمین نیازهای مالی همسر و خانواده‌ی خود کوتاهی می‌کنند که این خود به پیوند خانواده صدمات جبران‌ناپذیری وارد می‌سازد.

دو. تمکین و تأمین نیازهای جنسی طرفین

در برابر حق تأمین نیازهای اقتصادی و به اصطلاح نفقه که



«امام رضا
علیه السلام
را دیدم که

خضاب می‌کرد.

به ایشان گفتم:

فدایت شوم!

آیا خضاب می

کنید؟ امام فرمود:

آری، آراستگی

بر عفت زنان

می‌افزاید؛ زنان

چون شوهرانشان

آراستگی را ترک

نموده‌اند، عفت را

رها کرده‌اند

خداوند برعهده‌ی مردان نهاده، تمکین و تأمین نیازهای غریزی همسر را نیز بر دوش زنان گذاشته است. تمکین اصطلاحی است فقهی و حقوقی که در برابر آن اصطلاح نشوز قرار دارد و ناشزه «زوجه‌ای است که حقوق ناشی از نکاح را که برای زوج حاصل شده، ایفا نکند»^۹

گذشته از نگاه فقهی و حقوقی به این امر، از نگاه قرآن یکی از زمینه‌های شکل‌گیری بنیان خانواده تأمین مشروع نیازهای غریزی است که ما در مبحث «ازدواج» گفتیم یکی از معانی سکون و آرامش همسران در کنار یکدیگر (التسکُنُ الْبِیْهَا)^{۱۰} سکون و آرامشی است که در پی برآورده شدن این دست از نیازها به دست می‌آید. در سوره‌ی بقره آمده است:

«هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لِهِنَّ.»^{۱۱}

آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید. درباره‌ی مفهوم لباس بودن زن برای مرد و مرد برای زن، دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است. مفسران عموماً گفته‌اند هر یک از زوجین با زندگی زناشویی و تأمین نیازهای غریزی، بسان لباسی که زشتی‌های شخص را می‌پوشاند، دیگری را از در غلتیدن در زشتی‌های گناه باز می‌دارد.^{۱۲}

همان‌گونه که در مبحث ازدواج آوردیم، منطقی‌ترین برخورد با غرایز جنسی-برای فرونیفتادن در گناه-ازدواج است. از این





روایات در کنار تأکید بر خوش رفتاری با همسران و حرام دانستن آزار آنان و از سویی توصیه به مردان برای خدمتگزاری به همسران^{۱۱}، از هریک از مرد و زن خواسته که نسبت به رفتار بد همسر خود خویشتن داری پیشنه کنند

رو، کاربرد کنایه لباس برای هر یک از زن و مرد بسیار معنادار است. نکته دقیق تر که قرآن بدان توجه کرده و در مباحث فقهی کمتر به آن پرداخته شده، این است که اهتمام به تأمین نیازهای غریزی تنها برعهده ی زنان نهاده نشده، هر چند که مسئولیت زنان در این زمینه بیش از مردان است. در واقع از همین روست که لباس بودن به هر دو تن اطلاق شده است.

از سوی دیگر، نیازهای غریزی را نباید در تمکین خلاصه کرد، بلکه بخشی از این نیازها مربوط به زیبایی شناختی است. توضیح اینکه، همه ی انسان ها فطرتاً زیباگراند، از این رو هر یک از زن و مرد نیز می باید تأمین کننده ی این نیاز برای دیگری باشد. راز اینکه در روایات توصیه شده که زن باید همواره در خانه با لباس های مرتب و با زیورآلات و سر و وضعی آراسته در برابر شوهر ظاهر شود، همین نکته است.^{۱۴} اگر مرد همسر خود را چنین آراسته و جذاب ببیند، دیگر زمینه ای پیش نخواهد آمد تا با دیدن زیبارویان و مهوشان خود آراسته دل بیازد. البته روی سخن با عموم مردم است که در حد طبیعی از سلامت دل و رفتار برخوردارند. اما درباره ی کسانی که به تعبیر قرآن بیمار دل اند و با دیدن هر منظره ای یا حتی با شنیدن آوایی دلشان می لرزد،^{۱۵} باید چاره ای دیگر اندیشید بی شک یکی از معانی روایت معروف «جهادُ المرأةِ حُسنُ التَّبَعْلِ»^{۱۶} جهاد زن خوب شوهر داری است.» همین نکته است که زن می باید چنان در شوهر داری هنرمند و کارآمد باشد که هرگز مرغ دل او بر هیچ آشیان بیگانه ای ننشیند. اما وظیفه ی زیباشناسی و خودآراستگی ظاهر، تنها متوجه زنان نیست، بلکه در مرتبه ای فروتر مردان نیز موظف اند آراسته و معطر و با لباسی مناسب نزد همسرانشان ظاهر شوند.^{۱۷}

در روایتی این وظیفه ی زن و شوهر به نیکی بازنمایانده شده:

حسن بن جهیم می گوید: «امام رضا علیه السلام را دیدم که خضاب می کرد. به ایشان گفتم: فدایت شوم! آیا خضاب می کنید؟ امام فرمود: آری، آراستگی بر عفت زنان می افزاید؛ زنان چون شوهرانشان آراستگی را ترک نموده اند، عفت را رها کرده اند. آن گاه فرمود: اگر آراسته نباشی،

آیا دوست داری که همسرت نیز مانند تو آراسته نباشد؟ گفتم: نه. فرمود: او نیز چنین است.»^{۱۸}

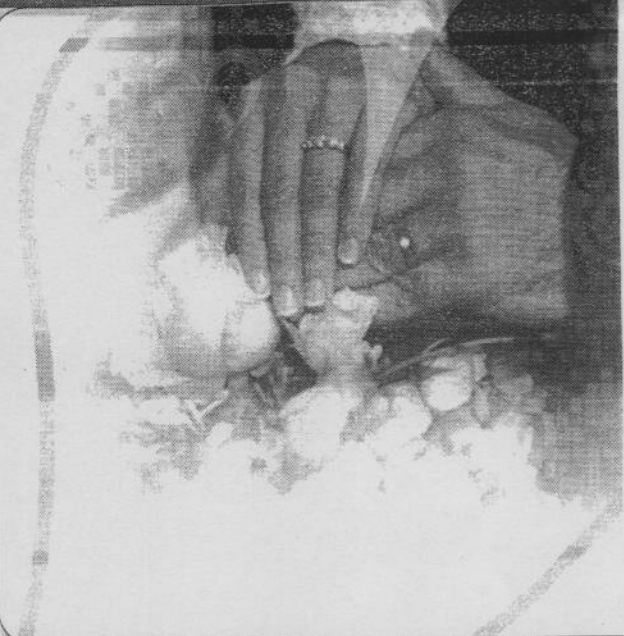
چند نکته در این روایت درخور توجه است:

۱. خضاب: یعنی استفاده از حنا یا رنگ برای آراسته کردن موها، محاسن و ناخن ها-یکی از ابزارهای آراستگی مردان (و نیز زنان) است که در روایات به مداومت بر آن توصیه شده است.

۲. از آنجا که راوی این حدیث بسان بسیاری دیگر از مردان، خودآرایی و آراستگی ظاهر را مخصوص زنان می دانست، خضاب کردن امام رضا علیه السلام برای او شگفت آمد، از این رو از امام علیه السلام علت آن را پرسید.

۳. امام رضا علیه السلام به صراحت اعلام کرد که آراستگی مردان باعث تقویت عفت زنان می شود و غفلت از آن نیز سبب بی عفتی برخی از آنان. توجه به ریشه ی برخی گناهان در روابط زناشویی-که این چنین دقیق در گفتار امام رضا علیه السلام آمده- از ژرف نگری و واقع بینی اهل بیت علیهم السلام نسبت به مسائل اجتماعی حکایت دارد. باری، همان گونه که برخی از مردان با غفلت همسرانشان در رعایت حس زیباشناختی و خودآرایی، ناخودآگاه شیفته ی زنان خودآرامی





شان بیشتر از بدی هایش است، نه آنکه انتظار داشته باشند همسرشان خیر مطلق باشد. در واقع آیا خود خیر مطلق اند که چنین انتظاری از دیگران دارند؟

براین اساس، هریک از زوجین ممکن است در ادای حقوق همسری و رفتارهای زناشویی ضعف هایی داشته باشند. آنچه محیط خانواده را در چنین شرایطی از سرآشویی سقوط نجات می دهد، رفتار محسنانه و همراه با گذشت در برابر ضعف های طرف مقابل، و از این سو یافتن راهی معقول برای برطرف کردن این ضعف هاست.

مادر این بحث به دلیل رعایت اختصار چهار وظیفه را برای زن و مرد برشمردیم حال اگر یکی از این دو در برآوردن نیازهای مذکور کوتاهی کند، طرف مقابل باید چه راهی پیش گیرد؟ در اینجا سه راه حل به نظر می رسد:

۱. با قاطعیت در برابر همسر خود ایستاده، با زبان تند از حق خود دفاع کند؛
 ۲. بی آنکه کار را به مشاجره بکشاند، با بی اعتنایی کامل با ضعف های زندگی اش برخورد کرده، بدون دنبال کردن راهی برای حل معضل، به راه حل های دیگر که گاه با پنهان کاری همراه است، روی آورد. مثلاً مردی که با بی توجهی همسر خود در تأمین نیازهای غریزی روبه رو شده، به رفتارهای پرخطر پنهانی روی آورد.
 ۳. در کنار حلم و خویشتن داری و پرهیز از مشاجره، در پی راه حل هایی منطقی و معقول برآید.
- در ارزشیابی این سه راه حل، بدترین نوع آن راه حل نخست، و بهترین آن نیز راه حل سوم است. تجربه نشان داده که برخورد حقوقی همراه با مشاجره، به جای حل کردن مشکل فقط به تعمیق شکاف ها می انجامد. چنین رفتاری سبب می شود که روابط گرم خانواده به سردی گراید. زیان رفتارهای خشن و ستیزگرایانه در آنجا که فرزندان نیز حضور دارند، از هر جهت زیان بارتر است. سرخوردگی و افسردگی شدید فرزندان و در مواردی فرار از خانه، از پیامدهای تلخ چنین رفتارهایی است. راه حل دوم نیز پذیرفتنی نیست؛ زیرا به آن می ماند که انسان

شوند، چنین خطری در پیش روی برخی زنان نیز هست که بر اثر غفلت مردان از آراستگی ظاهر آنان، دل در گرو مردانی آراسته بیندند.

۴. اینکه امام فرمود: همانگونه که تو دوست نداری همسرت نامرتب باشد، او نیز چنین انتظاری از تو دارد، بیانگر حس مشترک زیباشناسی در زوجین و ضرورت پاسخگویی به آن از سوی هر دو است. بر همین اساس در روایات آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حتی بیشتر از غذا، از عطر استفاده می کرد.^{۱۹}

۴. نیک رفتاری

بخشی از رفتارهای زوجین که به تحکیم روابط خانوادگی کمک می کند، رفتارهایی است که می باید فراتر از رفتارهای عادلانه و رعایت حقوق متقابل زوجین، از آن یاد کرد؛ به این معنا که هریک از زن و مرد ممکن است از نظر برخورداری از صفات و سجایای اخلاقی یا رفتارهای ارزشی، دارای کاستی ها و ضعف هایی باشند. باور اینکه گل بی خار تنها خداوند است و ما انسان ها در کنار خوبی ها و کمالات بدی ها و کاستی هایی نیز داریم، برای درک واقع بینانه از زندگی مشترک زناشویی بسیار کارآمد و گره گشاست. دختران و پسران جوان که در آستانه ی ازدواج اند، باید باور کنند که کامیابی آنان زمانی است که بدانند خوبی های همسر آینده

همان ثوابی را به او می دهد که به ایوب در قبال بلایی که دید، عطا کرد.

از این سو، درباره ی خویشتن داری زنان در برابر سوء خلق همسرانشان نیز چنین فرمود:

«مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خَلْقِ زَوْجِهَا أَعْطَاهَا
مِثْلَ [ثَوَابِ] آسِيَةِ بِنْتِ مَرْحَمٍ.»^{۲۳}

هر زنی که در برابر بداخلاقی شوهرش بردباری پیشه کند، خداوند پسان پاداش آسیه، دختر مزاحم [همسر فرعون] به او پاداش می دهد.

برخی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بنا به نقل قرآن زمینه های آزار پیامبر صلی الله علیه و آله را فراهم ساخته، یا اسرار ایشان را فاش می کردند،^{۲۴} اما هیچ گاه نشد که آن حضرت با آنان پرخاشگری کند، بلکه همان گونه که خود توصیه کرده، با حلم و خویشتن داری پیوسته برای تربیت آنان تلاش می کرد.

به جای معالجه ی غده ای بیماری زه، به غلط بدن خود را رها ساخته، در فکر تهیه ی بدن دیگری باشد. با صرف نظر از اینکه انتخاب راه حل های پنهان-که اغلب با خیانت و گناه همراه است-تا چه اندازه عملی است، زیان باقی نهادن نقاط ضعف در زندگی مشترک نیز همچنان دامن او را خواهد گرفت.

راه حل سوم راهی است که مورد تأکید قرآن و روایات بوده و در سیره ی عملی پیشوایان دینی هم به روشنی آشکار است. قرآن در فرمانی نغز از مردان می خواهد که با همسرانشان به معروف و نیک رفتاری معاشرت کنند: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^{۲۵}، و با آنها به شایستگی رفتار کنید.

روایات در کنار تأکید بر خوش رفتاری با همسران و حرام دانستن آزار آنان و از سویی توصیه به مردان برای خدمتگزاری به همسران^{۲۶}، از هریک از مرد و زن خواسته که نسبت به رفتار بد همسر خود خویشتن داری پیشه کنند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره ی خویشتن داری مردان در برابر اخلاق سوء همسرانشان چنین فرموده است:

«مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خَلْقِ امْرَأَتِهِ وَاحْتَسَبَهُ
أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ يَصْبِرُ عَلَيْهَا
مِنْ الثَّوَابِ مَا أَعْطَى أَيُّوبَ عَلَيَّ بَلَاءِهِ.»^{۲۷}

هر مردی که به خاطر خدا و به امید پاداش او در برابر بداخلاقی همسرش صبر کند، خدای متعال برای هر روز و شبی که شکیبایی می ورزد،



راوی: احمد بن محمد بن حنبل و دیگران

پی‌نوشت‌ها:

۱. «وَأَخَذْنَا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا: وَأَنَّا نَزَّ شِمَاءُ يَمَانِي اسْتَوَارَ غَرَفْتَهُ أُنْدُ؟» (نساء: ۴)، علامه طباطبائی معتقد است مقصود از «مِيثَاقًا غَلِيظًا» همان علقه‌ای است که مرد با بستن عقد نکاح آن را استحکام بخشیده است. (بنگرید به: المیزان، ج ۴، ص ۲۵۸).
۲. بقره (۲): ۲۲۸.
۳. این میحث در کتاب‌های فقهی استدلالی در فصل «نکاح» آمده و در رساله‌های عملی نیز حکم آن اغلب در مسئله‌ی ۲۰۶۲ ذکر شده است.
۴. در رساله‌های عملی این حکم معمولاً با رقم ۲۰۶۴ آمده است.
۵. ناشز شوهری است که حقوق ناشی از نکاح را که برای زوجه حاصل شده، ایفا نکند. این حقوق عبارت است از: دامن نفقه و پوشاک و داشتن حسن سلوک. (ترمینولوژی حقوق، ص ۷۰۶).
۶. بقره (۲): ۲۳۳.
۷. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: المیزان، ج ۲، ص ۲۴۰-۲۴۱.
۸. بقره (۲): ۲۳۶.
۹. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: المیزان، ج ۲، ص ۲۴۵؛ نیز: تفسیر بیضاوی، ج ۱، ص ۱۲۷.
۱۰. ترمینولوژی حقوق، ص ۷۰۶.
۱۱. روم (۳۰): ۲۱.
۱۲. بقره (۲): ۱۸۷.
۱۳. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: تفسیر کبیر، ج ۳، ص ۱۱۵؛ نیز: روح المعانی، ج ۲، ص ۹۸.
۱۴. بنگرید به: الکافی، ج ۲، ص ۱۵۵.
۱۵. آیه‌ی «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» (احزاب: ۳۳) به این دست از بیمار دلان اشاره دارد.
۱۶. الکافی، ج ۵، ص ۹.
۱۷. برای آگاهی بیشتر در این زمینه بنگرید به: بهشت خانواده.
۱۸. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۱۸۵.
۱۹. «عن ابي عبدالله عليه السلام قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُنْفِقُ فِي الطَّيِّبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُنْفِقُ فِي الطَّعَامِ.» (سنن النبی، ص ۴۸).
۲۰. نساء (۴): ۱۹.
۲۱. برای آگاهی بیشتر درباره‌ی این دست روایات بنگرید به: میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۱۸۴-۱۱۸۸.
۲۲. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۱۸۷.
۲۳. همان.
۲۴. بنگرید به: تحریم (۶۶): ۳-۴.

شما هم می‌توانید با اشتراک ماهنامه راه قرآن به ترویج فرهنگ و معارف قرآن کریم در جامعه کمک کنید.

چگونگی اشتراک را در صفحه ۵۰ مطالعه فرمایید